

24 August

۱۸۴۴ سال ۴۶

ژاله بیار عزیز و مهربانم سلام!

امیدوارم که حالتان خوب باشد و خوش و سر حال باشید، از حال من بخواهید خوب هستم و

مستغول خواندن میباشتم و از یکماه دیگر باید به مدرسه بروم، ژاله شکر از رسیدن نامه پیراز

بهر و چستان و هبطر از خواندن شعر بسیار زیبای «نقشبند» بی اندازه لذت بردم،

حتی شکر بود، طبق معمول بعد از رسیدن شعرتان به وین دست به دست بچه ها

چرخید و واقعاً هم از خواندن آن لذت بردم، نامه آقای بدیع را دریافت کردم بی اندازه

مشکر، ژاله جان نوشته بودید شعر «سرخ هواجر» را تاکنون قلم خوانده ام ولی،

متأسفانه تا الان نخوانده ام برایم قلم بفرستید هبطر اشعار بسیار زیبای دستان را.

راجع به البرز بی شکست، برای بابا فرستادم، منیامم به دستان رسیده یا نه! بهر حال هر

وقت به من اطلاع دارند فوراً برایان خواهم نوشت، ژاله جان کتاب «در هزار قلم داشتیم» را

برایان نزدیک به یکماه هست پست کردم منیامم به دستان رسیده یا نه؟! بهر حال

قلم برادر برایان بگذارید، بابا کتابهای زیادی برایم فرستادند که در میان آنها کتابی با نام

«یادنامه موج» که توسط پیده سامانی «هنی و تنظیم شده دیده میشود، تعداد زیادی

از شعرها که در این باره شعور روز، در آن کتاب هست و شعور شما هم میباشد که بسیار

زیبا بود، بابا حین خوب هستند سلام میروانند، بارها گفته اند که اگر شما چیزی احتیاج

دارید بگوئید تا برایان بفرستند، کتابی هم قرار هست چاپ کند که اشعار خوش

هست هر وقت برایم فرستادند یک نسخه برایان میفرستم، ژاله عزیزم به آقای

بدیع حین سلام برسانید هبطر به مهربان، تمام بچه ها در دستان خوب اینجابه شما

لام میرسانند ، ممالک خوب هست و خیلی لام میرسانند ، عکس تازه هر وقت
گرفتم برایتان خواهم فرستاد ، شما هم متناً بفرستید ، بی صبرانه منتظر نامه توانستم

از دور میوه جان .

ترانتان ^{۱۶} ~~زند~~
۲۴ اکتبر .

۵۲۵۸۱۸۳